

بررسی ارتباط بین سبک‌های اسناد و عزت نفس دانشجویان^۱

سید ولی اله موسوی

عضو هیئت علمی گروه روانشناسی

دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان

چکیده

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۳/۱۰/۲۱)

به منظور بررسی ارتباط بین سبک‌های اسناد و عزت نفس دانشجویان، تعداد ۲۷۷ نفر (۱۵۱ دختر و ۱۲۶ پسر) از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه گیلان از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های سبک اسناد سلیگمن و عزت نفس کوپر اسمیت درباره آنها اجرا گردید. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری حاکی از آن بود که بین دختران و پسران دانشجویان در دو سبک اسناد درونی - بیرونی (پس از موفقیت) و کلی - اختصاصی (پس از شکست) تفاوت معنی داری وجود دارد. اما در میزان ارتباط بین انواع سبک‌های اسناد دانشجویان با سال ورود به دانشگاه و ماهیت رشته‌های تحصیلی آنها تفاوت معنی داری مشاهده نشد. همچنین بر اساس نتایج آزمون مجذور خی تنها سبک اسناد درونی - بیرونی (پس از موفقیت) با جنسیت دانشجویان و سال ورود آنها به دانشگاه تفاوت معنی داری را نشان داد. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نیز حاکی از آن بود که بین میزان عزت نفس دانشجویان و ماهیت رشته‌های تحصیلی آنان تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین نتایج بدست آمده از آزمون t گروه‌های مستقل بیانگر آن بود که از لحاظ میزان عزت نفس هیچ گونه تفاوتی بین دختران و پسران دانشجویان وجود ندارد. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون همزمان و گام به گام نیز نشان داد که میان سه سبک پایدار - ناپایدار (پس از موفقیت)، پایدار - ناپایدار و کلی - اختصاصی (پس از شکست) با عزت نفس دانشجویان رابطه منفی و معنی داری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: سبک اسناد، عزت نفس، دانشجویان، کارشناسی، دانشگاه گیلان

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی محقق به راهنمایی دکتر غلامعلی افروز در دانشکده

روانشناسی، علم تربیت (دانشگاه تهران، ۱۳۸۳) است.

مقدمه

مفهوم اسناد^۱ یکی از موضوعات محوری و مهم روان‌شناسی اجتماعی است و هدف آن روشن کردن این نکته است که ما در تلاش خود برای توجیه رفتارها از چه قواعدی استفاده کرده و چه خطاهایی را مرتکب می‌شویم (هیلگارد^۲، ۱۳۷۵). قابل ذکر است که انسان‌ها همیشه برای توجیه پیامد رفتارهای خود به تحلیل روابط علت و معلولی نمی‌پردازند. در واقع، بسیاری از رویدادها که قابل پیش‌بینی هستند معمولاً نیازی به اسناد ندارند. زیرا موفقیت و شکست مورد انتظار، پیامدهایی پیش‌بینی شده هستند، اما ناهمخوانی پیامدهای مورد انتظار با پیامدهای واقعی موجب حالت ناخوش‌آیند تردید و دودلی می‌شود که مردم به کمک مکانیزم اسناد برای رفع آن تلاش می‌کند.

در مجموع نظریه اسناد از مباحث جدید در حوزه روان‌شناختی و انگیزش است و افرادی چون هاید^۳، وینر^۴، و راتر^۵ در شکل‌گیری آن نقش مؤثری داشته‌اند، اما آنها در مورد تحلیل موضوع اسناد اتفاق نظر نداشته و آن را از زوایای مختلف و به صورت‌های متفاوتی تبیین کرده‌اند. در سال‌های اخیر در مورد وجوه مختلف اسناد مطالعات زیادی انجام شده است. به طوری که آلبرخت^۶ (۱۹۸۷) تعداد کتب و مقالات منتشره در این زمینه را در اواسط دهه ۹۰ قرن بیستم حدود ۵۰۰۰ مورد برآورد کرده که بر تبیین فرآیندهای اسناد و عوامل مؤثر بر آن متمرکز بوده‌اند. اما مطالعات اخیر (کریمی، ۱۳۷۵) بر کاربرد اسناد در زمینه‌های گسترده‌تری (از جمله پیشرفت تحصیلی، عملکرد شغلی، بازدهی در محیط کار، رضایت شغلی، موفقیت‌های ورزشی، انحرافات و بزه‌کاری، الکلسم و اعتیاد، طلاق، و نظایر آنها) تمرکز پیدا کرده است.

پژوهش‌های انجام شده در دهه‌های اخیر حاکی از آن است که افراد در تبیین علمی از

1. Attribution

2. Hilgard

3. Heider

4. Weiner

5. Rotter

6. Albrecht

رویدادهای زندگی همسان عمل نمی‌کنند. زیرا برخی از آنها به اقتضای سبک تبیین خوش بینانه حاکم بر رفتار خویش (که طی فرآیند رشد و تعامل با متغیرهای محیطی به دست آورده‌اند) حوادث مثبت را به عوامل درونی، پایدار و کلی نسبت می‌دهند، در حالی که حوادث منفی را به عوامل بیرونی، ناپایدار، و اختصاصی مربوط می‌سازند. اما برخی دیگر به اقتضای سبک تبیین بدبینانه حاکم بر رفتار خویش حوادث مثبت را به عوامل بیرونی، ناپایدار، و اختصاصی نسبت می‌دهند، در حالی که حوادث منفی را به عوامل درونی، پایدار و کلی مربوط می‌کنند. بدیهی است این ناهمسانی ضمن آنکه در عوامل مختلفی ریشه دارد، با پیامدهای متفاوتی نیز همراه است. چنان‌که به عقیده سلیگمن^۱ و پیترسون^۲ در نظریه درماندگی اسنادی (۱۹۸۴)، کسانی که رویدادهای منفی را با توجه به عوامل درونی، پایدار و کلی تبیین می‌نمایند، آمادگی بیشتری برای درماندگی (و در نتیجه افسردگی) دارند، در حالی که سبک تبیین خوش بینانه از احساس درماندگی و ابتلاء به افسردگی پیش‌گیری می‌کند. در مطالعه بیگدلی (۱۳۷۳) نیز معلوم شد دانشجویانی که وقایع ناخوش آیند را به صورت درونی، پایدار و کلی تبیین می‌کنند در موقعیت‌های غیرقابل کنترل، درماندگی بیشتری را تجربه می‌نمایند. مک کورمیک^۳ و همکاران (۱۹۸۹) نیز ضمن تأیید نظریه سلیگمن، بین درماندگی اسنادی و شدت اختلال پس از ضربه رابطه معنی‌دار آماری یافته، و دیویس^۴ (۱۹۹۲) نیز همین عامل را علت پیدایش حالت انفعالی در برابر ترک اعتیاد ذکر کرده است. زیرا افراد معتاد چنانچه در جریان تجربیات قبلی ترک اعتیاد با شکست مواجه شده باشند با توجه به سبک تبیین بدبینانه و احساس درماندگی، اقدام مجدد برای ترک اعتیاد را بی‌فایده تلقی می‌کنند در نتیجه برای ترک اعتیاد اقدام نمی‌کنند.

برخی پژوهشگران برای پاسخگویی به این سؤال که آیا تفاوت جنسیت در نوع سبک اسناد تفاوتی به وجود می‌آورد یا نه، دست به مطالعه زده‌اند؛ اما نتایج مطالعات

1. Seligman

2. Peterson

3. Mc Kormic

4. Davis

آنها همخوانی ندارد. احدی (۱۳۷۴) ضمن خلاصه کردن اطلاعات حاصل از این پژوهش‌ها می‌گوید گرایش در زنان وجود دارد که به موجب آن اسنادهای بیرونی و عمدتاً شانس را (به ویژه در موقعیت‌های خوش آیند) بیشتر به کار می‌برند و در مقایسه با مردان توجه کمتری به توانائی‌های خود نشان می‌دهند. نتیجه مطالعه صمدی (۱۳۷۳) نیز در همین راستا بوده است، اما کافی (۱۳۷۵) در مطالعه خود نتیجه گرفت که اسناد تنیدگی‌ها به عوامل درونی، پایدار و کلی در دختران بیشتر از پسران است. در مطالعه دوک^۱ و لیخت^۲ (۱۹۸۰، به نقل از کافی، ۱۳۷۵) نیز دختران پایه چهارم ابتدایی بیش از پسران برای تبیین شکست‌های خود از اسناد درونی، پایدار، و کلی استفاده کرده‌اند. به عبارت بهتر، در حالی که پسران شکست خود را بیشتر به فقدان تلاش خود نسبت می‌دهند، دختران آن را به ناتوانی و تنبلی خویش مربوط می‌سازند.

در مطالعه احدی (۱۳۷۴) همچنین معلوم شد اسناد دانش‌آموزان و دانشجویان با انتظار آنها در مورد عملکرد آینده ارتباط دارد. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که وقتی شاگردان خود را توانا می‌بینند و شکست‌های خود را به عوامل قابل کنترل (مثل فقدان کوشش یا ناکافی بودن دانش و اطلاعات خود) نسبت می‌دهند، احتمالاً بر راهبردهایی متمرکز می‌شوند که موفقیت آنها را در آینده تضمین کنند. اما مشکلات انگیزشی آنها وقتی ظاهر می‌شود که شاگردان شکست‌های خود را به علل پایدار و غیرقابل کنترل نسبت دهند. زیرا در چنین شرایطی انگیزه آنان برای تلاش کاهش یافته و انتظار شکست بیشتری را در آینده خواهند داشت.

به عقیده شولتز (۱۹۹۸) اگرچه یک بار شکست خوردن، دانش‌آموزان را نگران نمی‌کند، اما شکست‌های مکرر حتی مصمم‌ترین شاگردان را درباره توانایی‌های خود دچار تردید می‌نماید. به همین دلیل ضمن هشدار نسبت به عدم تضعیف توانایی‌های شاگردان، پیشنهاد کرده تمهیداتی فراهم شود تا دانش‌آموزان موفقیت و شکست خود را به تلاش خویش (نه توانایی) اسناد دهند تا از تضعیف فرآیندهای انگیزشی آنها

جلوگیری شود. کافی (۱۳۷۵) نیز ضمن تأکید بر وجود ارتباط بین این گونه اسنادها با سلامت روانی نوجوانان و تاثیر آن در عملکرد بعدی آنها، به مربیان توصیه می‌کند تا نسبت به چگونگی تبیین شاگردان از عملکردهای خویش توجه ویژه نشان دهند. یعنی به آنها پیاموزند تا شکست‌های خود را به عدم تلاش و کوشش کافی خود (عامل ناپایدار) نسبت دهند نه به ضعف توانایی خویش (که عاملی پایدار است) تا ضمن تسهیل عملکردهای تحصیلی، سلامت روانی آنها نیز تقویت گردد.

برخی از صاحب نظران معتقدند که اسنادها در برخی موارد می‌توانند واکنش‌های هیجانی انسان را تعدیل کنند. مثلاً به عقیده وینر و همکاران (۱۹۸۲) نسبت دادن موفقیت‌ها به عوامل درونی موجب افزایش عزت نفس می‌شود و به هیجان غرور می‌انجامد. اما نسبت دادن آن به عوامل بیرونی، به احساس سپاسگزاری و قدردانی منتهی می‌گردد. همچنین اسناد موفقیت‌ها به عوامل پایدار (اعم از درونی و بیرونی) به هیجان امید می‌انجامد که به موجب آن انتظار تکرار موفقیت‌ها نیز افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، به اعتقاد وینر و همکاران (۱۹۸۲) چنانچه شکست‌ها ناشی از قصور فرد و قابل پیشگیری ارزیابی شوند به احساس گناه منجر می‌گردند، اما احساس شرم وقتی حاصل می‌شود که شکست‌ها کنترل‌ناپذیر و ناشی از قصور فرد ارزیابی شوند. همین طور احساس خشم وقتی پدیدار می‌شود که شکست‌ها ناشی از شرایط خارجی و کنترل‌پذیر ارزیابی شده باشند، اما احساس تأسف وقتی حادث می‌شود که شکست‌ها ناشی از دخالت شرایط خارجی و کنترل‌ناپذیر توجیه شوند. به اعتقاد سلیگمن و پترسون (۱۹۸۴) اسناد رویدادهای منفی به عوامل درونی موجب کاهش عزت نفس می‌شود اما با اسناد آن به عوامل بیرونی می‌توان از پیامدهای نامطلوب عزت نفس جلوگیری کرد. همین طور فورسایت^۱ (۱۳۷۵) می‌گوید وقتی شاگردان در دروس امتحانی نمرات پایین می‌گیرند با انکار مسئولیت عملکرد و انداختن تقصیر خود در اخذ نمرات پایین به گردن عوامل خارجی (معلم، شرایط زندگی، دشواری محتوای آموزشی،

پیچیدگی سؤالات امتحانی، و...) می‌توانند از اثرات منفی آن بر عزت نفس خویش اجتناب ورزند.

مطالعات انجام شده عمدتاً نشان می‌دهند که دانشجویان پس از رویدادهای منفی و شکست بر مداخله علل خارجی تأکید کنند، اما پس از رویدادهای موفقیت‌آمیز بر اهمیت عوامل درونی تأکید بیشتری دارند. فورسایت (۱۳۷۵) در توجیه این اسنادها معتقد است اصولاً نوع اسناد موفقیت و شکست دانشجویان متأثر از عزت نفس آنهاست. یعنی موفقیت خود را به عوامل درونی نسبت می‌دهند تا عزت نفس خویش را افزایش دهند اما شکست‌ها را به عوامل خارجی نسبت داده و با انکار مسئولیت عملکرد خود، از کاهش عزت نفس خویش اجتناب می‌کنند. از طرف دیگر، چنانچه عملکرد دانشجویان با انتظارات آنها هماهنگ باشد، عملکرد خود را به عوامل درونی و پایدار (مثل استعداد) نسبت می‌دهند، در غیر این صورت این رویدادها را به عوامل ناپایدار (مانند شانس) ربط خواهند داد. اما واقعیت این است که چون دانشجویان مایلند خود را به عنوان عامل عملکردهای مثبت نشان دهند، هنگام موفقیت‌ها اسناد درونی و پایدار دارند اما هنگام شکست اسناد بیرونی و ناپایدار نشان می‌دهند. در مطالعه کدیور (۱۳۷۵) نیز معلوم شد دانش‌آموزانی که در کلاس‌های ضعیف طبقه‌بندی شده بودند از سبک اسناد منفی استفاده می‌کردند زیرا با طبقه‌بندی و جایگزینی آنها در کلاس‌های ضعیف، عزت نفس آنها آسیب می‌بیند و احساس ضعف و خودکم‌بینی خواهند داشت. ریو^۱ (۱۹۹۶) اسنادها را متأثر از سوگیری خودیآوری می‌داند، زیرا به موجب این نوع سوگیری، اسناد موفقیت‌ها به عوامل درونی و اسناد شکست‌ها به عوامل بیرونی برای محافظت از عزت نفس فرد صورت می‌گیرد. به عبارت بهتر، شخص با بزرگ‌کردن سهم خود از رویدادهای مثبت، عزت نفس خویش را افزایش می‌دهد و در عین حال با سرزنش کردن دیگران و یا انداختن تقصیر عملکردهای منفی خود بر گردن عوامل موقعیتی، سهم خود را از این پیامدها به حداقل رسانیده و در نتیجه عزت نفس خود را

حفظ می‌کند (آرکین^۱ و همکاران، ۱۹۶۷). در عین حال، گاهی اوقات نیاز به احساس کنترل بر محیط به اندازه‌ای در فرد قوی است که باعث می‌شود مردم به خاطر پیامد منفی رفتارها، خودشان را سرزنش کنند (بولمن^۲ و وورتمن^۳، ۱۹۷۷).

سوگیری وابسته به جنسیت نیز در نوع اسناد نقش دارد، اما نتایج مطالعات موجود به ویژه در مورد اسناد پیامدهای منفی با یکدیگر همخوانی ندارد. زیرا نوع اسناد زنان و مردان با قالب‌های فکری آنها (متأثر از نقش و جایگاه زنان و مردان در فرهنگ‌های مختلف) هماهنگ است. یعنی نوع اسناد زنان و مردان متأثر از عوامل فرهنگ غالب جامعه می‌باشد. مثلاً در برخی جوامع، چون مردم معتقدند مردان قابلیت‌های بیشتری از زنان دارند در نتیجه از آن‌ها انتظار دارند موفقیت بیشتری نیز داشته باشند. اما در برخی جوامع غربی به دلیل شرایط خاص جامعه، در اسناد مردان و زنان شباهت بیشتری دیده می‌شود. با این حال، بررسی هوارد^۴ (۱۹۸۴) نشان داد که قربانیان مرد در تجاوزات جنسی و غیرجنسی مورد سرزنش بیشتری قرار گرفته و حتی با صفات شخصیتی منفی‌تری ارزیابی می‌شوند. همچنین گاهی نیز اسناد افراد متأثر از تنبلی و کم‌حوصلگی آنهاست. در نتیجه چون به اندازه کافی برای یافتن علت اصلی رویدادها تلاش نمی‌کنند و یا چون وقت کافی برای آن ندارند، برجسته‌ترین محرک‌ها را به عنوان محرک‌های مؤثر تلقی می‌کنند و با این کار، پردازش اطلاعات را برای خود آسان می‌سازند. البته باید توجه داشت که در اکثر موارد، برجسته‌ترین محرک‌ها، مؤثرترین آن‌ها نیز هستند. در نتیجه وقتی از سوگیری شناختی در اسناد صحبت می‌کنیم که محرک‌های برجسته بر محرک‌های اصلی رویدادها (که چندان برجسته نیستند) غلبه کرده و آنها را تحت الشعاع خود قرار دهند (مطلب‌زاده، ۱۳۸۰).

نوع اسناد با توجه به ویژگی‌های فردی نیز متفاوت است. بنا به گزارش ایزدی (۱۳۷۶) اگر چه به طور کلی منبع کنترل زنان بیرونی‌تر از مردان است، اما این تفاوت

1. Arkin

2. Bolman

3. Worthman

4. Howard

معنی دار نیست. همچنین زنانی که از نظر جسمانی مورد بهره‌کشی واقع شده‌اند (بارون^۱ و بیرن^۲، ۱۹۸۴) و نیز زنان مطلقه (دوهرتی^۳، ۱۹۸۳) به منبع کنترل بیرونی بیشتری گرایش می‌یابند.

نتایج اجرای آزمون سبک‌های اسناد در طبقات اجتماعی پایین و اقلیت‌های اجتماعی نیز حاکی از منبع کنترل بیرونی است. در مطالعه روحانی (۱۹۹۱) نوجوانان دختر و پسر سیاه‌پوست بوتسوانا نسبت به نوجوانان سفیدپوست امریکایی اسناد بیرونی بیشتری داشتند، اما در هر دو کشور نوجوانان متعلق به طبقات اجتماعی بالاتر از اسناد درونی بیشتری برخوردار بودند. قبلاً در مطالعه گراوس^۴ (۱۹۶۱)، به نقل از شولتز، (۱۹۹۸) نیز نتیجه مشابهی به دست آمده بود، زیرا نوجوانان امریکای لاتین و سرخپوستان امریکایی به کنترل بیرونی گرایش بیشتری داشتند.

تعامل‌های فرهنگی از عوامل موثر دیگر در نوع اسناد است. مثلاً اگر چه فرهنگ غربی به فردگرایی و واگرایی و فرهنگ شرقی به جمع‌گرایی و حس همبستگی توجه بیشتری نشان می‌دهد، اما مطالعات نشان داده است طی تعامل‌های فرهنگی و همزیستی بین این دو گروه، در نوع اسنادهای آنها نیز تغییراتی روی می‌دهد. چنان‌که ساکنان چینی هنگ‌کنگ از چینی تبارهای امریکایی گرایش‌های بیرونی بیشتری نشان می‌دهند و یا امریکایی‌هایی که میراث چینی دارند از امریکایی‌های اروپایی تبار بیرونی‌گراترند (یوتا^۵، ۱۹۹۴، به نقل از گراوس، ۱۹۶۱).

در مجموع، بررسی محققان نشان داده است که دانشجویان پس از رویدادهای منفی و شکست به مداخله عوامل بیرونی تأکید می‌کنند، اما پس از موفقیت بر اهمیت عوامل درونی تأکید بیشتری دارند. کریمی (۱۳۷۵) برای توجیه اسناد این دانشجویان دلایل زیر را مطرح کرده است:

1. Baron

2. biren

3. Doherty

4. Grows

5. Uta

اول آنکه به عقیده وی چنانچه دانشجویان در عملکرد تحصیلی موفقیت حاصل کنند، با اسناد آن به عوامل درونی، اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی خود را افزایش می‌دهند، اما در صورت شکست خوردن، با انکار مسئولیت عملکرد خود (طی اسناد به عوامل خارجی) از کاهش شدید عزت نفس خویش اجتناب می‌ورزند. دوم آنکه چنانچه عملکرد دانشجویان با انتظار آنها هماهنگ باشد، آن را به عوامل درونی و پایدار (مثل استعداد) نسبت می‌دهند اما در غیر این صورت به عوامل ناپایدار (مثل شانس) اسناد خواهند داد. سوم آنکه چون به طور کلی دانشجویان مایلند خود را به عنوان عامل عملکردهای مثبت به حساب آورده‌اند، در نتیجه هنگام موفقیت اسناد درونی و پایدار و هنگام شکست اسناد بیرونی و ناپایدار خواهند داشت و تنها در شرایطی که شکست‌های پی‌پی را تجربه کرده باشند اسنادهای منفی را خواهند پذیرفت.

در مطالعه کدیور (۱۳۷۵) که برای بررسی و مقایسه سبک‌های اسناد دانش‌آموزان طبقه بندی شده در کلاس‌های قوی و ضعیف انجام شد، نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که سبک‌های اسناد منفی داشتند در مقایسه با دانش‌آموزان دارای سبک اسناد مثبت از عزت نفس کمتری برخوردار بودند. به طوری که شاگردان طبقه بندی شده در کلاس‌های ضعیف به صورت معنی‌داری بیش از شاگردان کلاس‌های قوی از سبک اسناد منفی استفاده می‌کردند. زیرا با طبقه‌بندی شاگردان در کلاس‌های ضعیف، عزت نفس آنها آسیب می‌بیند و احساس ضعف و ناتوانی از پیامدهای طبیعی آن است. از طرف دیگر، رقابت فشرده در کلاس‌هایی که به عنوان گروه‌های قوی طبقه‌بندی شده‌اند نیز می‌تواند زمینه را برای اسناد منفی و درماندگی و در نتیجه کاهش عزت نفس شاگردان فراهم نماید. زیرا شکست در این رقابت‌ها عامل مؤثرتری در احساس ناتوانی و کاهش عزت نفس آنهاست. البته با توجه به این که افراد دارای عزت نفس پایین شکست‌ها را به علل درونی و موفقیت‌ها را به علل بیرونی نسبت می‌دهند، با تغییر سبک اسناد شکست از عوامل درونی به عوامل بیرونی، می‌توان عزت نفس آنها را بهبود بخشید. به عقیده هیتس (۲۰۰۰) مردمی که از عزت نفس بالاتری برخوردارند در هنگام شکست یا هنگام احساس تهدید خود، سوگیری خود-حمایتی نشان می‌دهند. در نتیجه

ماهیت سبک اسناد آن‌ها بیشتر مثبت است. به عبارت دیگر، اگر چه تفاوت در سطح عزت نفس موجب تفاوت در پاسخ به حوادث منفی است پاسخ به حوادث مثبت، هیچ تفاوتی را در عزت نفس افراد برنمی‌انگیزد. در مطالعه وایتلی^۱ و همکاران (۱۹۸۱) عامل مردانگی در خودپنداره نقش جنسی با سبک اسناد مثبت ارتباط داشت اما عامل زنانگی با اسناد پایدار برای پیامدهای منفی همراه بود که تا حدود زیادی متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی است. در مطالعه مک کولی^۲ (۱۹۸۸) نیز عزت نفس پایین با سبک اسناد بدبینانه ارتباط داشت، در حالی که سبک اسناد مثبت با عزت نفس بالا همراه بود. لذا این یافته‌ها نشان دهنده ارتباط مثبت بین عزت نفس و سبک اسناد مثبت و ارتباط منفی بین عزت نفس و سبک اسناد منفی است.

براساس مطالعه لیدن^۳ (۱۹۷۷) آزمودنی‌های دارای عزت نفس بالا، در وقایع مثبت سبک اسناد درونی بیشتری داشتند، اما در وقایع منفی، آزمودنی‌های دارای عزت نفس بالا اسناد درونی کمتری را نشان دادند. مطالعه براون^۴ (۱۹۹۰) نیز نشان داد که اسناد شکست‌ها به عوامل درونی و پایدار در اثر کاستن از سطح عزت نفس، به افسردگی می‌انجامد. براساس برخی دیگر از مطالعات (صمدی، ۱۳۷۳) زنانی که منبع کنترل بیرونی و عزت نفس پایین دارند، در برابر اثرات حوادث منفی زندگی (از لحاظ ایجاد علائم روان‌شناختی) بیشترین آسیب‌ها را تجربه می‌کنند. در حالی که این آسیب‌پذیری در کسانی که از عزت نفس بالا و منبع کنترل درونی برخوردارند، وجود ندارد. در نتیجه، باید گفت که سبک اسناد و عزت نفس می‌تواند در نقش حلقه واسط بین حوادث زندگی و ایجاد علائم روان‌شناختی عمل کند.

به موجب مطالعه جانسون^۵ و همکاران (۱۹۹۲) افرادی که در رویدادهای منفی اسناد درونی انجام داده بودند عزت نفس کمتری نیز داشتند. زیرا اسناد درونی

1. Withley

2. Mc Cauley

3. Layden

4. Brown

5. Jhonson

رویدادهای منفی در تضعیف عزت نفس افراد نقش حتمی و جدی دارد. از طرف دیگر، با تغییر سبک‌های اسناد از منفی به مثبت، امکان افزایش در عزت نفس افراد نیز وجود دارد. به موجب مطالعه لیدن (۱۹۸۲) آموزش تغییر واکنش نسبت به تجارب شکست در تغییر عزت نفس و سبک اسناد افراد مؤثر است، به طوری که این تغییرات در درمان افسردگی نیز مؤثر واقع شده است. ویتن^۱ (۱۹۸۹) نیز دریافت که با تغییر سبک اسناد پیامدهای شکست از درونی به بیرونی و پیامدهای موفقیت از بیرونی به درونی می‌توان عزت نفس افراد را بهبود بخشید. اما به عقیده بارون (۱۹۸۶) اگر چه تغییر سبک اسناد اغلب دارای نتایج مفیدی است، ترغیب کردن افراد دارای عزت نفس پایین برای نسبت دادن همه شکست‌ها به عوامل بیرونی صحیح نیست. چون گاهی اوقات عملکرد ضعیف آن‌ها واقعاً ناشی از سطح پایین توانایی‌ها و عوامل درون فردی است.

به عقیده سیف (۱۳۶۹) در مدارس نیز می‌توان با تغییر سبک اسناد دانش‌آموزان عزت نفس آنها را تغییر داد. برای این کار باید اسناد شکست آنها را از فقدان توانائی به فقدان تلاش معطوف کرد تا به جای کاهش، به افزایش عملکردهای بعدی آنها بینجامد. نکته قابل ذکر این است که اگر چه افزایش عزت نفس در تغییرات مثبت سبک‌های اسناد افراد عادی مؤثر است، در مورد افراد مبتلا به ایدز صادق نیست. جانسون و همکاران (۲۰۰۰) طی بررسی خود نتیجه گرفتند که در اثر تعامل بین سبک اسناد افسرده‌وار و عزت نفس بالا در افراد مبتلا به ویروس بیماری ایدز، افسردگی و ناامیدی آنها افزایش یافت. در حالی که سطح افسردگی در گروه عادی روبه کاهش گذاشت. هم‌چنین اگر چه عزت نفس بالا در کاهش نشانه‌های ناامیدی در افراد عادی مؤثر بود، در مبتلایان به بیماری ایدز مؤثر نبوده است.

به طور کلی، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند هر اندازه افراد در علت‌یابی رویدادهای مثبت و منفی، موفقیت‌های خود را بیشتر به عوامل پایدار و درونی نسبت دهند از عزت نفس بالاتری برخوردار خواهند بود. اما در صورت اسناد شکست‌های خود به عوامل

درونی و پایدار عزت نفس بیشتری را از دست خواهند داد، ضمن آن که با نسبت دادن شکست‌ها به عوامل بیرونی، عزت نفس فرد کمتر خدشه دار می‌شود (مطلب‌زاده، ۱۳۸۰). در مجموع، می‌توان گفت که دو متغیر سبک اسناد و عزت نفس با یکدیگر ارتباط عمیقی دارند، اما رابطه آنها با توجه به نوع سبک‌ها از یک طرف و متغیرهای ارگانیک (مثل جنسیت) و هویتی (مثل ویژگی‌های فردی) از سوی دیگر، با یکدیگر متفاوت است.

هدف پژوهش

هدف کلی از انجام پژوهش حاضر دست‌یابی به اطلاعاتی پیرامون رابطه بین سبک اسناد و عزت نفس دانشجویان است. یعنی می‌خواهیم بدانیم که با توجه به نوع سبک‌های اسناد و متغیرهای فردی، آیا می‌توان سطح عزت نفس آزمودنی‌ها را پیش‌بینی کرد یا نه. بر همین اساس هدف‌های فرعی این پژوهش عبارت است از:

۱. بررسی و مقایسه رابطه بین انواع سبک‌های اسناد (پس از موفقیت و شکست) با عزت نفس دانشجویان.
۲. بررسی و مقایسه سبک‌های اسناد (پس از موفقیت و شکست) دانشجویان براساس جنسیت، ماهیت رشته‌های تحصیلی و سال ورود به دانشگاه.
۳. بررسی و مقایسه میزان عزت نفس دانشجویان براساس جنسیت، ماهیت رشته‌های تحصیلی و سال ورود به دانشگاه.

سؤال‌های پژوهش

- با توجه به پژوهش‌ها و یافته‌هایی که درباره سبک اسناد و رابطه آن با عزت نفس گزارش شده، مطالعه حاضر درصدد آن است تا برای سؤال‌های زیر پاسخ مناسبی بیابد:
۱. آیا بین میزان عزت نفس دانشجویان با توجه به متغیر رشته تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
 ۲. آیا بین سبک اسناد دانشجویان (پس از موفقیت و شکست) و میزان عزت نفس آن‌ها

رابطه معنی دار آماری وجود دارد؟

۳. آیا بین انواع سبک های اسناد دانشجویان با توجه به متغیرهای جنسیت، سال ورود به

دانشگاه و ماهیت رشته های تحصیلی آنها تفاوت معنی دار آماری وجود دارد؟

۴. آیا بین ابعاد سبک های اسناد دانشجویان (پس از موفقیت) با متغیرهای جنسیت، سال ورود به دانشگاه و ماهیت رشته‌های تحصیلی آنها تفاوت معنی دار آماری وجود دارد؟

۵. آیا بین دختران و پسران دانشجو از لحاظ میزان عزت نفس تفاوت معنی دار آماری وجود دارد؟

روش و ابزار پژوهش

پژوهش حاضر از مطالعات پس رویدادی و از نوع همبستگی است و اطلاعات لازم برای انجام آن نیز از طریق عملیات میدانی (اجرای پرسشنامه و رجوع به نشریات و منابع علمی معتبر) گرد آوری شده است. آزمودنی های این مطالعه شامل ۲۲۷ نفر از دانشجویان رشته های کارشناسی دانشگاه گیلان (۱۲۶ پسر ۱۵۱ دختر) که در هنگام اجرای این پژوهش در سال اول الی چهارم رشته تحصیلی خود مشغول به تحصیل بوده اند، از طریق روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای برگزیده شده‌اند. همچنین برای به دست آوردن اطلاعات تحقیق از دو پرسشنامه زیر استفاده شده است.

الف. پرسشنامه سبک های اسناد سلیگمن. برای تعیین اندازه و نوع اسنادهای علی دانشجویان از مقیاس سبک های اسناد سلیگمن (۱۹۷۹) استفاده شد. این مقیاس یک پرسشنامه خود گزارشی است که برای تعیین سبک های اسناد افراد در سه بعد درونی - بیرونی، پایدار - ناپایدار و کلی - اختصاصی (پس از موفقیت و شکست) مورد استفاده قرار می گیرد. اصل این پرسشنامه شامل دوازده موقعیت فرضی است که به دنبال هر یک از آنها سه سؤال مطرح شده است. با این توضیح که سؤال های اول از هر موقعیت به سنجش بعد درونی - بیرونی اسناد می پردازد و سؤال های دوم و سوم در هر موقعیت

نیز به ترتیب به سنجش بعد پایدار - ناپایدار و کلی - اختصاصی اسناد اختصاص یافته است. در مطالعه اسلامی شهر بابکی (۱۳۶۹) دو موقعیت از مقیاس فوق به دلیل مغایرت های فرهنگی حذف گردید و بر آن اساس پرسشنامه به اجراء در آمد که با توجه به ضرایب پایائی حاصله (آلفای کرانباخ) برای زیر گروه های آن، به نظر می رسد که پایایی این پرسش نامه از کاربردهای پیشین آن نیز بیشتر شده است. در مطالعه حاضر مقیاس تجدید نظر شده اخیر اجرا گردید که به موجب بررسی های به عمل آمده ضریب آلفای پایایی کلی آن ۰/۷۸ بود. ضریب آلفای کرانباخ برای تعیین پایایی زیر گروه های این مقیاس در مطالعه سلیگمن (۱۹۷۹) و مطالعه حاضر (۱۳۸۲) به شرح زیر است:

جدول ۱. ضرایب پایایی آلفای کرانباخ زیر گروه های مقیاس سبک اسناد سلیگمن

ضرایب پایایی	پیامدبد درونی	پیامدخوب درونی	پیامدبد پایدار	پیامدخوب پایدار	پیامدبد کلی	پیامدخوب کلی
مطالعه سلیگمن	۰/۴۴	۰/۳۰	۰/۶۴	۰/۵۴	۰/۶۴	۰/۵۸
مطالعه حاضر	۰/۴۸	۰/۷۳	۰/۵۸	۰/۶۰	۰/۷۰	۰/۳۹

ب. پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) این پرسشنامه را بر اساس تجدید نظر در مقیاس راجر و دیموند تهیه کرده است. این مقیاس ۵۸ سؤال دارد که به سنجش و ارزیابی احساسات آزمودنی ها در مورد خودشان می پردازد و هشت سؤال آن نیز دروغ سنج است که اعتبار آن توسط محققان مختلف (اسمیت، ۱۹۷۶ - مورلی و بایچر، ۱۹۷۱؛ وایف، ۱۹۶۹؛ به نقل از کهنی، ۱۳۷۴) مورد تأیید قرار گرفته است. ابراهیمی (۱۳۷۰) نیز پایایی نتایج این پرسشنامه را در میان دانش آموزان و دانشجویان ایرانی بررسی کرده که ضریب پایایی آن در نمونه های دانش آموزی ۰/۸۰ و در نمونه های دانشجویی ۰/۸۵ گزارش شده است. همچنین ضریب آلفای کرانباخ این

آزمون در پژوهش حاضر ۰/۷۴ است که اندازه مناسبی می باشد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش از تحلیل واریانس یک طرفه و چند متغیری برای بررسی اثر متغیرهای پیش بین تحقیق بر اندازه عزت نفس، از تحلیل رگرسیون همزمان و گام به گام متغیرهای پیش بین بر حسب اندازه متغیر ملاک، از آزمون t برای بررسی معنی داری تفاوت اندازه میانگین متغیرها و از آزمون مجذورخی به منظور بررسی رابطه بین هر یک از ابعاد سبک های اسناد با متغیرهای تحقیق استفاده شده است.

یافته های پژوهش

الف. داده های توصیفی و یافته های استنباطی سبک های اسناد

بر اساس یافته های این پژوهش، سبک اسناد (پس از موفقیت و شکست) آزمودنی های این مطالعه درونی، پایدار و کلی بود و در این مورد تفاوت چندانی بین دختران و پسران وجود نداشت. جز آن که در رویدادهای پس از شکست، سبک اسناد پسران تا حدودی نا پایدارتر بود. همچنین اگر چه سبک اسناد دختران و پسران پس از رویدادهای منفی به کلی بودن گرایش داشت، بین میانگین اسناد آنها تفاوت نسبتاً زیادی دیده شد.

نتایج اجرای آزمون تحلیل واریانس تک متغیری برای بررسی اثر عامل جنسیت بر انواع سبک های اسناد نشان داد که در سبک اسناد درونی - بیرونی پس از موفقیت با توجه به $(F_{276,1} = 5/91, P < 0/05)$ و در سبک اسنادی کلی - اختصاصی پس از شکست با توجه به $(F_{126,1} = 5/55, P < 0/05)$ بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود دارد. در نتیجه با توجه به میانگین‌های به دست آمده می‌توان گفت که در دو بعد درونی - بیرونی پس از موفقیت و کلی - اختصاصی پس از شکست، سبک اسناد دختران نسبت به پسران درونی‌تر و کلی‌تر است.

همچنین با عنایت به یافته های این پژوهش، بیشترین تفاوت در اندازه‌های میانگین دانشجویان بر اساس ماهیت رشته های تحصیلی، به دانشجویان رشته های کشاورزی و

فنی (در بعد درونی - بیرونی پس از شکست و کلی - اختصاصی پس از موفقیت) مربوط است و در سایر ابعاد سبک های اسناد تفاوت زیادی دیده نمی شود. نتایج اجرای آزمون تحلیل واریانس تک متغیری برای بررسی اثر عامل ماهیت رشته های تحصیلی در انواع سبک های اسناد نیز نشان داد که بین این سبک ها بر اساس رشته های تحصیلی دانشجویان تفاوت معنی داری وجود ندارد. با توجه به یافته های این پژوهش، در اندازه های میانگین سبک های اسناد دانشجویان بر اساس سال ورود آنها به دانشگاه نیز تفاوت هایی وجود دارد. اما نتایج اجرای آزمون تحلیل واریانس تک متغیری برای بررسی اثر عامل سال ورود به دانشگاه در انواع سبک های اسناد نشان داد که مقدار F به دست آمده در هیچ یک از انواع سبک های اسناد تفاوت معنی داری را برای متغیر سال ورود نشان نمی دهد. از آنجا که هر یک از سبک های اسناد پس از موفقیت و شکست از دو بعد تشکیل شده، برای بررسی رابطه آنها با متغیرهای جنسیت، رشته تحصیلی و سال ورود دانشجویان به دانشگاه از آزمون مجذور کای استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که تنها اسناد درونی - بیرونی پس از موفقیت با سال ورود دانشجویان و جنسیت آنها در سطح ۰/۰۵ رابطه معنی دار داشت و رابطه سایر ابعاد اسناد با متغیرهای فوق معنی دار نبوده است.

جدول ۲. محاسبه آزمون مجذور کای برای بررسی رابطه سال ورود و جنسیت دانشجویان با اسناد درونی - بیرونی پس از موفقیت

نوع آزمون	شاخص آزمون	مقدار مشاهده شده	مقدار مجذور کای جدول	درجه آزادی	احتمال
مجذور کای برای بررسی رابطه جنسیت دانشجویان با اسناد درونی - بیرونی پس از موفقیت	۵/۹۶	۳/۸۲	۱	۰/۰۱۵	
مجذور کای برای بررسی رابطه سال ورود به دانشگاه با اسناد درونی - بیرونی پس از موفقیت	۸/۴۵	۷/۸۲	۳	۰/۰۳۸	

باعنایت به اطلاعات جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل جنسیت دانشجویان با اسناد درونی - بیرونی (پس از موفقیت)، همچنین سال ورود آنها با اسناد درونی - بیرونی (پس از موفقیت) رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد.

ب. داده‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی بر اساس نمره کل عزت نفس چنانکه در جدول زیر دیده می‌شود میانگین نمره کل عزت نفس دانشجویان دانشکده‌های فنی و علوم پایه نسبت به سایر دانشکده‌ها بالاتر است و میانگین آن در دانشکده علوم انسانی نیز اندازه کمتری را نشان می‌دهد.

جدول ۳. داده‌های توصیفی نمره کل عزت نفس دانشجویان به تفکیک

رشته‌های تحصیلی

رشته‌های تحصیلی	ویژگی‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	تعداد
کشاورزی	۳۳/۵	۷/۸۹	۱/۱۲	۵۰	
فنی	۳۴/۳۲	۵/۹۶	۰/۷۳	۶۶	
تربیت بدنی	۳۴/۲	۷/۵۲	۱/۵	۲۵	
علوم انسانی	۳۲/۵۱	۶/۴۱	۰/۷۳	۷۸	
علوم پایه	۳۴/۲۶	۵/۸۱	۰/۷۶	۵۸	
جمع کل	۳۳/۶۴	۶/۵۸	۰/۴	۲۷۷	

برای بررسی اثر عامل رشته تحصیلی دانشجویان مورد مطالعه در نمره کل عزت نفس، آزمون تحلیل واریانس یک طرفه اجرا شد. نتایج حاصله نشان داد که اثرات رشته تحصیلی در نمره عزت نفس معنی‌دار نیست. در نتیجه ارتباط معنی‌داری بین نوع رشته تحصیلی و عزت نفس وجود ندارد.

جهت بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین‌های عزت نفس دانشجویان از لحاظ

جنسیت، آزمون t گروه‌های مستقل اجراء گردید که نتیجه آن نیز تفاوت معنی‌داری را نشان نداد.

برای بررسی رابطه انواع سبک‌های اسناد پس از موفقیت و شکست با نمره کل عزت نفس، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. نتیجه نشان داد که ضرایب همبستگی بین نمره کل عزت نفس دانشجویان با سبک‌های اسناد پایدار - ناپایدار پس از موفقیت ($r = 0/28$)، پایدار - ناپایدار پس از شکست ($r = 0/33$) و کلی - اختصاصی پس از شکست ($r = 0/24$) در سطح $P < 0/01$ رابطه منفی و معنی‌داری را نشان می‌دهد. همچنین به منظور بررسی سهم متغیرهای پیش‌بین در تبیین متغیر ملاک از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۴. تحلیل واریانس همزمان نمره کل عزت نفس بر حسب متغیرهای جنسیت و انواع سبک‌های اسناد پس از موفقیت و شکست

متغیرها	ویژگی‌های آماری	R	R ²	R ² تعدیل شده	برآورد خطای معیار
انواع سبک‌های اسناد پس از موفقیت و شکست و جنسیت	۰/۳۸۹	۰/۱۵۲	۰/۱۲۹	۵/۹۵	

همان طوری که در جدول ۴ دیده می‌شود، انواع سبک‌های اسناد پس از موفقیت و شکست و نیز عامل جنسیت در مجموع می‌توانند ۰/۱۵۲ از تغییرات نمره کل عزت نفس را تبیین نمایند که با عنایت به داده‌های به دست آمده مقدار مشاهده شده (۶/۸۴) در سطح $P < 0/01$ اثر معنی‌داری را نشان می‌دهد. در نتیجه می‌توان گفت که متغیرهای پیش‌بین یاد شده بر روی عزت نفس تأثیری معنی‌دار دارند. همچنین ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون همزمان نمره کل عزت نفس بر حسب متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد که مقدار ضرایب رگرسیون سبک‌های اسناد پایدار - ناپایدار پس از موفقیت

($b=0/57$) در سطح $P<0/01$ و کلی - اختصاصی پس از شکست ($b=-0/27$) در سطح $P<0/05$ معنی دار شده است. اما در سایر متغیرها ضرایب رگرسیون معنی دار نیست.

به منظور شناسایی متغیرهایی که به ترتیب بیشترین همبستگی را بانمره کل عزت نفس دارند تحلیل رگرسیون گام به گام بر حسب انواع سبک‌های اسناد (پس از موفقیت و شکست) و عامل جنسیت اجرا شد. همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود سبک اسناد پایدار - ناپایدار (پس از شکست) به تنهایی حدود ۱۱ درصد تغییرات نمره کل عزت نفس را پیش بینی می‌کند. پس از آن دو سبک اسناد پایدار - ناپایدار (پس از موفقیت) و کلی - اختصاصی (پس از شکست) قرار دارند که در مجموع، حدود ۴ درصد از تغییرات عزت نفس را می‌توانند پیش بینی کنند.

همان‌طور که مقدار F مشاهده شده در هر یک از گام‌های تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد اثرهای متغیرهای وارده شده در هر یک از گام‌های فوق در سطح $P<0/01$ معنی دار هستند. ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام نمره کل عزت نفس بر حسب متغیرهای پیش بین نیز نشان می‌دهد که سبک اسناد کلی - اختصاصی (پس از شکست) در سطح $P<0/05$ ، همچنین سبک‌های پایدار - ناپایدار (پس از شکست) و پایدار - ناپایدار (پس از موفقیت) در سطح $P<0/01$ اثر معنی داری را نشان می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در مورد سؤال اول تحقیق مبنی بر این که آیا بین میزان عزت نفس دانشجویان و ماهیت رشته‌های تحصیلی آنان تفاوت معنی داری وجود دارد یا نه، نشان داد که بین میزان عزت نفس دانشجویان و رشته‌های تحصیلی آنها تفاوت معنی داری وجود ندارد. در پژوهش‌هایی که توسط آشوری و همکاران (۱۳۷۵)، صمدی (۱۳۷۳) و ناصح (۱۳۸۲) به منظور بررسی رابطه بین عزت نفس با برخی از ویژگی‌ها و متغیرها صورت گرفت، نیز نتایج مشابهی به دست آمده است. این نتیجه بدین معنی است که نوع رشته تحصیلی نمی‌تواند به تفاوتی معنی دار در اندازه

عزت نفس دانشجویان بینجامد. زیرا شرایط دوره دانشجویی در کشور ما برای همه رشته‌های تحصیلی تا حدود زیادی مشابه است. یعنی افتخار ناشی از برجسب دانشجویی، احساس مشابهی را در همه دانش‌جویان (صرف نظر از رشته‌های تحصیلی آنها) برمی‌انگیزد و مانع از آن می‌شود که به شرایط متفاوت رشته‌های تحصیلی خود فکر کنند. بدیهی است که این احساس در آستانه فارغ‌التحصیلی و ارزیابی شرایط کار بر اساس رشته‌های تحصیلی دچار تزلزل و تغییر می‌گردد.

تحلیل داده‌های این پژوهش در مورد سؤال دوم نیز حاکی از آن بود که میان سبک اسناد پایدار - ناپایدار (پس از موفقیت) و پایدار - ناپایدار و کلی - اختصاصی (پس از شکست) با میزان عزت نفس دانش‌جویان رابطه معنی‌داری وجود دارد. از این رو، نتیجه می‌گیریم که هرگاه اسناد پایدار (پس از موفقیت و شکست) و اسناد کلی (پس از شکست) افزایش یابد، میزان عزت نفس دانشجویان کاهش خواهد یافت. علاوه بر آن آزمون تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که سبک‌های اسناد پایدار - ناپایدار (پس از شکست)، پایدار - ناپایدار (پس از موفقیت) و کلی - اختصاصی (پس از شکست) به ترتیب بیش‌ترین رابطه معنی‌دار را با عزت نفس دانشجویان دارند. مطالعات انجام شده توسط پژوهش‌گرانی مثل چنگ^۱ (۲۰۰۳)، ویتن^۲ (۱۹۹۹)، وینرودوک (۱۹۷۸) به نقل از ایزدی، (۱۳۷۶)، کرمی (۱۳۷۵) نیز مؤید آن است که هر چه فرد در علت‌یابی رویدادهای مثبت و منفی، موفقیت‌های خود را بیشتر به عوامل پایدار و درونی نسبت دهد، عزت نفس بیشتری را از دست می‌دهد، ضمن آن که نسبت دادن شکست‌ها به عوامل بیرونی، عزت نفس او را کمتر خدشه‌دار خواهد ساخت. نتایج این تحقیقات با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌جهت می‌باشد اما برخلاف مطالعات فوق، در پژوهش حاضر رابطه اسناد پایدار - ناپایدار پس از موفقیت با میزان عزت نفس آزمودنی‌ها منفی و معنی‌دار گردیده است که به نظر می‌رسد با توجه به نظریه جیمز^۳ (۱۹۸۲)، به نقل از

1. Cheng

2. Witten

3. James

صمدی، ۱۳۷۳) مبنی بر وجود ارتباط بین عزت نفس با موفقیت و پیشرفت (از یک طرف) و انتظارات و آرزوهای فرد (از طرف دیگر)، این یافته نیز قابل توجیه باشد. زیرا به عقیده وی عزت نفس افراد از طریق افزایش و یا کاهش انتظارات و آرزوهای فردی می‌تواند تغییر یابد. در نتیجه با افزایش انتظارات (در صورت پایین بودن سطح پیشرفت فردی) سطح عزت نفس فرد کاهش می‌یابد، همان‌گونه که با کاهش انتظارات و افزایش پیشرفت فردی، می‌توان به افزایش عزت نفس وی امیدوار بود.

سؤال سوم این پژوهش، تفاوت معنی دار بین انواع سبک‌های اسناد دانشجویان را با توجه به متغیرهای جنسیت، سال ورود به دانشگاه و ماهیت رشته‌های تحصیلی مورد پرسش قرار داده است. یافته‌های به دست آمده در این زمینه نشان می‌دهد که در دو سبک اسنادی درونی-بیرونی (پس از موفقیت) و کلی-اختصاصی (پس از شکست) بین دختران و پسران دانشجو تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمره دختران دانش‌جو در این دو سبک اسناد به طور معنی داری از پسران بیشتر بود، لذا نتیجه می‌گیریم که دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر از اسناد درونی تر (پس از موفقیت) و کلی تر (پس از شکست) برخوردارند. احدی (۱۳۷۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده بود که سبک اسناد دختران دانشجو پس از شکست بیشتر درونی، پایدار و کلی است. در نتیجه یافته‌های پژوهش وی با نتیجه پژوهش حاضر هماهنگ است. اما مطلب زاده (۱۳۸۰) برخلاف احدی دریافت که سبک اسناد دانشجویان پس از رویدادهای موفقیت آمیز درونی تر، پایدارتر و کلی تر از سبک اسناد آنها پس از شکست است، که مغایر با نتایج این تحقیق است. این در حالی است که به عقیده کریمی (۱۳۷۵) در جوامعی مثل انگلستان تفاوتی بین اسناد زنان و مردان وجود ندارد. هم‌چنین نتیجه این بررسی نشان داد که بین انواع سبک‌های اسناد با متغیرهای سال ورود به دانشگاه و ماهیت رشته‌های تحصیلی تفاوتی وجود ندارد.

سؤال چهارم این پژوهش در مورد وجود رابطه بین ابعاد سبک‌های اسناد (پس از موفقیت) با متغیرهای جنسیت، سال ورود به دانشگاه و ماهیت رشته‌های تحصیلی دانشجویان می‌باشد. تحلیل داده‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که به استثنای رابطه بین

سال ورود دانشجویان با اسناد درونی بیرونی (پس از موفقیت) و رابطه بین جنسیت دانشجویان با اسناد درونی - بیرونی (پس از موفقیت)، در سایر انواع اسناد، روابط موجود تفاوت معنی داری را نشان نمی‌دهد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که دانشجویانی که در هر چهار سال تحصیلی مورد مطالعه (۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱) به دانشگاه وارد شده‌اند، دارای اسناد درونی (پس از موفقیت) بوده‌اند. علاوه بر آن رابطه جنسیت دانشجویان با اسناد درونی - بیرونی (پس از موفقیت) تفاوت معنی داری را در سطح $P < 0/05$ نشان داد و مشخص نمود که دانشجویان دختر بیش از پسران دانشجوی دارای اسناد درونی (پس از موفقیت) هستند.

سؤال پنجم پژوهش این است که آیا بین دختران و پسران دانشجویان لحاظ عزت نفس تفاوت معنی داری وجود دارد یا نه. نتایج به دست آمده از این پژوهش بیانگر آن بود که از لحاظ میزان عزت نفس تفاوت معنی داری بین دختران و پسران دانشجویان وجود ندارد. در پژوهش‌های گلداسمیت^۱ (۱۹۸۸)، فلسفی نژاد (۱۳۷۲)، صمدی (۱۳۷۳) و ناصح (۱۳۸۲) نیز بین عزت نفس دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود نداشت. همچنین در پژوهشی که ماموندا^۲ (۱۹۹۱) بر روی نوجوانان سیاه پوست انجام داده است نیز همین نتیجه حاصل شد که مؤید نتایج پژوهش حاضر است. اما نتیجه برخی مطالعات انجام شده (اکبری، ۱۳۷۱ و اسکراگس^۳، ۱۹۸۳) برخلاف نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن بود که بین عزت نفس دختران و پسران تفاوت معنی دار آماری وجود دارد. در نتیجه برای یافتن علت تفاوت این یافته‌ها و روشن‌تر شدن حقایق، انجام مطالعات دیگر پیرامون موضوع تحقیق ضروری است و در این صورت بهتر است از ابزارهای شناخته شده دیگری نیز استفاده شود و بررسی ارتباط و اثر متغیرهای دیگر از جمله متغیرهای واسطه‌ای و میانجی نیز مورد توجه قرار گیرد.

1. Gold Smith

2. Mwamuenda

3. Scruggess

پیشنهادات

۱. با توجه به نتایج این مطالعه چون نوع سبک‌های اسناد در عزت نفس (و به تبع آن در رفتار، شخصیت و نگرش) دانشجویان نقش دارد، پیشنهاد می‌شود از ابتدای کودکی تدابیر لازم برای شکل‌گیری سبک‌های اسناد مثبت فراهم شود. مثلاً مربیان می‌توانند در شکل‌گیری مرکز کنترل درونی در کودکان مؤثر واقع شوند. بدیهی است که در صورت اتخاذ تدابیر لازم آیندگانی پیشرفت‌گرا خواهیم داشت و بهداشت روانی آنها نیز با هر ضربه‌ای آسیب نخواهد دید. ضمن آن که با ایجاد احساس خودباوری و جلوگیری از درماندگی، "توانستن" با سهولت و قاطعیت بیشتری صرف خواهد شد.

۲. با توجه به وجود ارتباط علی بین سبک‌های اسناد و افسردگی، پیشنهاد می‌شود در جلسات درمانی بیماران افسرده (به منظور تغییر سبک‌های اسناد آنها) از روش‌های شناختی بیشتر استفاده شود. هم‌چنین برای بررسی امکان تعمیم نتایج این مطالعه پیشنهاد می‌شود که در جمعیت‌های مذهبی، معلولان و سالمندان نیز چنین مطالعاتی انجام شود.

۳. با توجه به تأثیر سبک‌های اسناد در بروز هیجان‌های فردی، پیشنهاد می‌شود این مباحث در جلسات توجیهی آموزش خانواده مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرد تا هیجان‌های فردی در جهت صحیح کنترل و هدایت شود.

مآخذ

ابراهیمی، صفری (۱۳۷۰). تعیین ضرایب پایانی و همبستگی سه مفهوم حمایت اجتماعی، عزت نفس و مرجع کنترل بر روی دانشجویان و دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران.

احدی، حسین (۱۳۷۴). "بررسی اسنادهای علی دانشجویان دختر و پسر مراکز تربیت معلم مشهد". فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۱۲۲-۱۰۵

اسلامی شهربابکی، حیدر (۱۳۶۹). "رابطه بین سبک تبیین و افسردگی در بیماران افسرده یک قطبی و دو قطبی و مقایسه آن با افراد بهنجار". پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. تهران: انستیتور روانپزشکی.

- اکبری، حمیدرضا (۱۳۷۲). "رابطه حمایت اجتماعی مؤسسات رفاهی با عزت نفس فرزندان خانواده‌های تحت پوشش آنها". پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ایزدی، مریم (۱۳۷۶). "بررسی ارتباط بین سبک‌های اسناد و سلامت روانی دانشجویان". پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. خوراسگان: دانشکده تحصیلات تکمیلی.
- بیگدلی، ایمان (۱۳۷۳). "بررسی آزمایشی تأثیر سبک اسناد در درماندگی آموخته شده". تهران: پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۴ (شماره ۴ و ۳)، ص ۶۰-۷۱.
- شولتز، دوآن و سیدنی. آلن (۱۳۷۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر هما
- صمدی هره دشت، سهیلا (۱۳۷۳). "بررسی و مقایسه عزت نفس دانشجویان و رابطه آن با مشکلات روانی آنان". پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- علی‌پور، پروین (۱۳۷۳). روش‌های تقویت عزت نفس در نوجوانان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- علی‌زاده شیرایه، سمیه (۱۳۸۱). "بررسی و مقایسه میزان عزت نفس دختران ۱۸-۱۵ ساله در خانواده‌های پایدار و ناپایدار". پایان نامه کارشناسی روانشناسی. رشت: دانشگاه گیلان.
- فلسفی نژاد، علی (۱۳۷۲). "بررسی تأثیر عزت نفس در سازگاری رفتاری شاگردان ۱۲ تا ۱۸ ساله با محیط کلاس درس". پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تربیت معلم قم.
- فورسایت، دانلسون آر (۱۳۷۵). تحلیل اسنادی از واکنش‌های دانشجویان نسبت به موفقیت و شکست. ترجمه یوسف کریمی. تهران: نشر ویرایش.
- کافی، سید موسی (۱۳۷۵). "بررسی شیوه‌های رویارویی با تنیدگی روانی و ارتباط آن با سلامت روانی در نوجوانان مدارس عادی و خاص تهران". رساله دکترای روان‌شناسی عمومی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کدیور، پروین (۱۳۷۵). "فشار روانی در کلاس‌های طبقه‌بندی شده". فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۵ و ۳۶.
- کریمی، جهانگیر (۱۳۷۵). "بررسی رابطه سبک اسناد علی با پیامدهای درمانی (عزت نفس، ناامیدی و افسردگی) و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان". پایان نامه کارشناسی ارشد. اهواز: دانشگاه شهید چمران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۵). روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها). تهران: انتشارات ارسباران.
- کهنانی، شمس‌الدین (۱۳۷۴). "بررسی اثربخشی آموزش بهداشت روانی بر آگاهی، نگرش، نحوه مراقبت از خود، عزت نفس و تعداد جملات بیماران مبتلا به صرع گراندمال". پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی

بالینی. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
مطلب زاده، افسانه (۱۳۸۰). "بررسی ارتباط بین سبک اسناد و سنخ شخصیتی دانشجویان". پایان‌نامه.
رشت: دانشگاه گیلان، دانشگاه علوم انسانی
هیلگارد، ارنست و دیگران (۱۳۷۵). زمینه روان‌شناسی، جلد دوم. ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران
تهران: انتشارات رشد.

Albrecht, L. et al (1987). *Social psychology*, 2th ed. prentice-Hall.

Arkin, R. M. et al (1976). "Effect of perceived choice, expected outcome and observed outcome of an action on causal attribution of actors." *Journal of Experimental Soical Psychology*, No 12, pp. 151-158.

Baron, R. and Byrne, D. (1984). *Social psychology: Understanding human interaction*, 7th ed. Newton, MA: Alline and Bacon.

Baron, R. and Greenberg, J. (1986). *Behavior in organizations*, 2th ed. Alline & Bacon.

Brown, G. W. et al (1990). "Self esteem and depression-social pschiatry, *Psychiaric Epidemiology*, Vol. 25, No.5. pp. 200-209.

Cheng, Helen (2003). "Attributional style and self esteem as predictors of psychological well being". *Counselling psychology quarterly*, Vol.16, No. 2. pp. 121-130.

Davis, John Booth (1992). *The myth of addiction: an application of the psychological theory of attribution to illicit drug use*. Harwood academic publishers.

Doherty, W. (1983). "Impact of divorce on locus of control orientation in adult women: A longitudinal study". *Journal of personality and social psychology*, No 44, pp. 834-840.

Goldsmith, Ronald E.; et al (1998). "Creativity and self esteem: A multiple operationalization validity study". *Journal of psychology*, Vol. 122 (1), pp. 47-56.

Hetts, John Justin (2000). "Self evaluation under fire: Implicit self-regard and explicit self esteem in the face of failure". *Disertation abstracts international, section B*, Vol. 60, No. 8, p. 4301.

- Howard, J. A. (1984). "Social influences on attributions: blaming same victims more than other". *Journal of personality and social psychology*, Vol. 47, pp.494-505.
- Jhonson, Jeffrey G.; et al (2000). "Attributional style, self esteem and human immunodeficiency virus: A test of the hopelessness and self esteem theories of depression". *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, Vol. 22, No. 1. pp, 23-46.
- Johnson, J. G.; et al (1992). "Attributional life event effective predictors of onset of depression, anxiety and negative attributional style". *Cognitive Therapy and Research*, Vol. 14, No. 4, pp.417-430.
- Layden, Mary Anne (1982). *The effect of Attributional style change on self esteem and depression*, American psychological Association.
- Mccauley, Elizabeth.; et al (1988). "Cognitive attributions of depression in children and adolescents". *Journal of Counselling Clinical Psychology*, Vol. 56, No. 6. pp. 903-908.
- Mc cormic R. A.; et al (1989). "The Relationship between attributional style and post-traumatic stress disorder in addicted patients". *Journal of traumatic stress*, Vol.2, No. 4, pp. 477-488.
- Mwamwenda, T. S. (1991). "Sex differences in self concept among African adolescents". *Perception Motor Skills*, Vol, 1, pp. 191-194.
- Ralf, John A.; et al (1998). "Attributional style and self esteem: The prediction of Emotional distress following a midterm exam". *Journal of Abnormal Psychology*, Vol. 107, No. 2, pp. 203-215.
- Reeyove, B. (1996). "Attribution style on Reporting depression and recourse to treatment". *Journal of psychiatry*, Aug. 1996. Vol, 21, Issue, 4.
- Rouhani, S. and Magsud. M. (1991). "Relationship between socioeconomic status, locus of control, self concept and academic achievement of botswana adolescents". *Journal of Youth and Adolescence*. No. 2. pp. 107-114.
- Schultz, D. P. (1998). *Psychology and industry today. An introduction and industrial and organization psychology*. New York: Mac millan.
- Scrugess, E.; et al (1983). "Self esteem differencess by sex and ethnicity", *Journal of Instructional*

Psychology, Vol. 10, No. 4, pp. 177-180.

Seligman, M. E. P. and Peterson, C. (1984). "Attributional style and the generality of learned helplessness". *Journal of personality and social psychology*, No. 46, pp. 681-684.

Seligman, M. E. P. (1979). *Learned Helplessness and depression in animals and men*. Morris tone, N. J: General learning press.

Weiner, B.; et al (1982). "Pity, Anger, and guilt: An attribution Analysis". *Personality and Social Psychology Bulltin*. Vol. 8, pp. 220-235.

Whitley, Bernard E.; et al (1981). *Sex - Role, self- concept and Attributional style*. Meed western psychological Association.

Witten, W. (1989). *Psychology; key deaux, brook school*. col publishing company.

